

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی-  
خانواده درمانی

عنوان

پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس هوش  
معنوی و هوش هیجانی

استاد راهنما  
دکتر علیرضا مهدویان

استاد مشاور  
دکتر علی فتحی آشتیانی

پژوهشگر  
مجتبی ساتکین

تابستان ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سپاس و قدردانی

❖ منت خدای را که توفیق تحصیل را به این حقیر عطا فرمود و با تشکر از تمام اساتید بزرگووارم که راه زندگی مرا به نور خویش روشن ساختند و مرا از ظلمتها به سوی روشنایی و نور رهنمون گشتند.

❖ با سپاس از زحمات استاد راهنمای ارجمند جناب آقای دکتر علیرضا مهدویان و استاد مشاور گرامی جناب آقای دکتر علی فتحی آشتیانی که در تمام مراحل این تحقیق مرا یاری نمودند.

❖ و با سپاس فراوان از زحمات بی دریغ استاد گرامی جناب آقای دکتر علی اصغر اصغرنژادفرید

## تقدیم به

❖ وجود پاک و اطهر حبیبه الهی  
حضرت فاطمه زهرا (س) و فرزند  
برومندش قطب عالم امکان حضرت  
مهدی (عج)

❖ پدر و مادر عزیزم که دلبستگی  
به خدا و ائمه اطهار (ع) را در  
نهادم جاودانه ساختند.

❖ همسر وفادار و صبورم که در طول  
زندگی مشترک و به خصوص در مدت  
تدوین این پایان نامه همواره  
یار و یاورم بود.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	فصل اول: کلیات پژوهش
۳	مقدمه
۶	بیان مسأله
۱۰	ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش
۱۱	پرسش های پژوهش
۱۲	اهداف پژوهش
۱۲	فرضیه های پژوهش
۱۲	متغیرهای پژوهش
۱۳	تعاریف
۱۳	تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها
۱۵	فصل دوم: ادبیات و پیشینه ی پژوهش
۱۶	رضایت زناشویی
۱۷	تعاریف رضایت زناشویی
۱۸	عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی
۲۵	عوامل جمعیت شناختی و رضایت زناشویی
	تأثیرات رضایت یا عدم رضایت از زندگی مشترک بر فرد، خانواده و اجتماع
۲۷	هوش هیجانی
۲۹	تاریخچه هوش هیجانی
۳۲	تعاریف هوش هیجانی
۳۳	نظریه های هوش هیجانی و ابزارهای سنجش آن
۳۳	مدل مبتنی بر توانایی
۳۵	مدل ترکیبی هوش هیجانی
۳۷	مدل صفات هوش هیجانی
۳۸	ویژگی های هوش هیجانی

## صفحه

## عنوان

۳۹	هوش هیجانی و هونه
۴۱	دلایل ارزشمندی هونه
۴۲	تفاوت های جنسیتی در هوش هیجانی
۴۳	راهکارهای افزایش هوش هیجانی
۴۵	پایه های زیست شناختی هوش هیجانی
۴۷	هوش هیجانی و حوزه های اثرگذاری آن
۵۰	هوش معنوی
۵۰	معنویت و ابعاد آن
۵۱	تاریخچه هوش معنوی
۵۲	تعاریف هوش معنوی
۵۵	رابطه ی هوش معنوی با هوش های دیگر

۵۷	..... مبنای تکاملی هوش معنوی
۵۸	..... اهمیت و تأثیرات هوش معنوی
۵۹	..... نظریه ها و دیدگاه ها، مؤلفه ها و مدل های هوش معنوی
۶۹	..... مؤلفه های هوش معنوی در اسلام
۷۱	..... جایگاه معنویت و هوش معنوی در سلسله مراتب نیازها
۷۲	..... هوش معنوی و جهت گیری های مختلف مذهبی و معنوی
۷۳	..... مفهوم سازی هوش معنوی
۷۳	..... خطرات بالقوه هوش معنوی
	..... همسویی هوش و تجارب معنوی در توانایی رویارویی کارآمد و حل مسأله ۷۳
۷۶	..... تأثیر تفاوت های فردی بر هوش معنوی
۷۷	..... هوش معنوی و سلامت روانی
۷۷	..... هوش معنوی و شخصیت
۷۸	..... راهکارهای افزایش هوش معنوی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸۱	هوش هیجانی و رضایت زناشو
۸۲	هوش معنوی و رضایت زناشو
۸۳	پژوهش های انجام شده
۸۳	پژوهش های خارجی
۸۶	پژوهش های داخلی
۹۰	فصل سوم: روش اجرای پژوهش
۹۱	نوع مطالعه
۹۱	جامعه آماری
۹۱	نمونه و روش نمونه گیری
۹۱	معیارهای ورود و خروج به گروه نمونه
۹۲	ابزارهای اندازه گیری
۹۷	شیوه ی اجرای پژوهش
۹۷	روش تحلیل داده ها
۹۸	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها
۹۹	یافته های توصیفی
۱۰۴	یافته های استنباطی
۱۰۹	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۱۱۰	خلاصه پژوهش
۱۱۱	یافته های پژوهش
۱۱۷	محدودیت های پژوهش
۱۱۸	پیشنهاد های پژوهش
۱۱۸	الف) پیشنهاد های پژوهشی
۱۱۸	ب) پیشنهاد های کاربردی

۱۱۹	منابع فارسی
۱۲۷	منابع انگلیسی
۱۳۱	پیوست ها
	پرسشنامه ی رضایت زناشویی انریچ
	پرسشنامه ی هوش هیجانی بار- آن
	پرسشنامه ی هوش معنوی ناصری

۹۹	جدول ۴-۱: اطلاعات تری
۱۰۰	جدول ۴-۲: اطلاعات تری
۱۰۰	جدول ۴-۳: اطلاعات تری
	جدول ۴-۴: اطلاعات مربوط به سمیرسی سور مطالعه بر حسب
۱۰۱	طول مدت ازدواج
	جدول ۴-۵: اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد مطالعه به
۱۰۲	تفکیک جنسیت
۱۰۳	جدول ۴-۶: جدول ضرایب همبستگی هوش معنوی و رضایت زناشویی
	جدول ۴-۷: جدول ضرایب همبستگی هوش هیجانی و رضایت
۱۰۳	زناشویی
۱۰۴	جدول ۴-۸: تحلیل رگرسیون رضایت زناشویی بر حسب هوش معنوی
	جدول ۴-۹: ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون نمره رضایت
۱۰۴	زناشویی بر حسب هوش معنوی

جدول ۱۰-۴: تحلیل رگرسیون رضایت زناشویی برحسب مولفه های	
هوش معنوی .....	۱۰۵
جدول ۱۱-۴: ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون نمره رضایت زناشویی بر	
حسب مولفه های هوش معنوی .....	۱۰۵
جدول ۱۲-۴: اطلاعات مربوط به متغیرهای خارج شده از تحلیل	
رگرسیون گام به گام .....	۱۰۵
جدول ۱۳-۴: تحلیل رگرسیون رضایت زناشویی برحسب هوش	
هیجانی .....	۱۰۶
جدول ۱۴-۴: ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون نمره رضایت	
زناشویی بر حسب هوش هیجانی .....	۱۰۶
جدول ۱۵-۴: تحلیل رگرسیون رضایت زناشویی برحسب مولفه های	
هوش هیجانی .....	۱۰۷
جدول ۱۶-۴: ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون نمره رضایت زناشویی بر	
حسب مولفه های هوش هیجانی .....	۱۰۷
جدول ۱۷-۴: اطلاعات مربوط به متغیرهای خارج شده از تحلیل	
رگرسیون گام به گام .....	۱۰۷
جدول ۱۸-۴: تحلیل رگرسیون رضایت زناشویی برحسب ترکیب هوش	
معنوی و هوش هیجانی .....	۱۰۸
جدول ۱۹-۴: ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون نمره رضایت زناشویی بر حسب	
هوش معنوی و هوش هیجانی .....	۱۰۸
جدول ۲۰-۴: اطلاعات مربوط به متغیرهای خارج شده از تحلیل	
رگرسیون گام به گام .....	۱۰۸



## چکیده

**مقدمه:** پژوهش حاضر با هدف پیش بینی رضایت زناشویی براساس هوش معنوی و هوش هیجانی انجام شده است.

**روش:** این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی می باشد. جامعه ی آماری این پژوهش کلیه ی مراجعه کنندگان متأهل به خانه های سلامت مناطق ۸ و ۱۸ تهران بود که حداقل دو سال از زندگی مشترکشان گذشته بود و بین ۲۰ تا ۵۰ سال سن داشتند. تعداد ۱۱۷ نفر به عنوان نمونه ی پژوهشی و به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب گردیدند. ابزارهای اجرای این پژوهش عبارت بودند از: پرسش نامه ی هوش هیجانی بار-آن، پرسشنامه ی هوش معنوی ناصری، پرسشنامه ی رضایت زناشویی انریچ. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیری و تحلیل واریانس استفاده گردیده است.

**نتایج:** یافته های این پژوهش نشانگر این است که هوش معنوی ۱۰/۱ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را پیش بینی می نماید. همچنین در میان مؤلفه های اصلی هوش معنوی، شکیبایی ۱۳/۵ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را پیش بینی می نماید. همچنین هوش هیجانی نیز ۲۱/۴ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را پیش بینی می نماید. در میان مؤلفه های اصلی هوش هیجانی نیز خلق کلی ۲۵/۹ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را پیش بینی می کند. با توجه به نتایج به دست آمده از ترکیب هوش معنوی و هوش هیجانی نیز باید گفت که هوش هیجانی با ۲۱/۴ درصد پیش بینی کننده ی مناسب تری برای رضایت زناشویی می باشد.

**نتیجه گیری:** هوش معنوی و هوش هیجانی از جمله عوامل مرتبط با رضایت زناشویی محسوب می شوند. افرادی که دارای هوش معنوی و هوش هیجانی بالاتری هستند از رضایت زناشویی بیشتری نیز برخوردارند.

**کلید واژه ها:** هوش، معنویت، هوش معنوی، هوش هیجانی، رضایت زناشویی، پیش بینی.

# فصل اول

## کلیات پژوهش

## ۱-۱ مقدمه

کسی که در فکر ازدواج است و یا ازدواج می کند، انتظار دارد که این زندگی مشترک با خوشبختی و رضایت و سعادت همراه باشد و از لحظه لحظه ی زندگی خود لذت ببرد و اینگونه است که آنچه از خود ازدواج مهم تر به شمار می رود، همانا موفقیت در ازدواج یا رضامندی زوجین از روابط با یکدیگر است (برادبری، فینچمن و بیچ، ۲۰۰۰).<sup>۱</sup>

در سال های اخیر در اکثر کشورهای جهان و از جمله ایران ساختار خانواده ها دچار تغییر شده است و این امر روابط میان اعضای خانواده را دچار دگرگونی نموده است. بدنبال این روند تغییر هنوز هنجارهای کافی رفتاری، که مورد پذیرش همگانی، باشد به صحنه ی اجتماعی راه نیافته اند و لذا رفتار در محیط خانوادگی دارای پراکندگی است. بنابراین محکم ترین پیوندهای خانوادگی نیز در معرض تهدید جدی قرار گرفته است. به طوری که ملاحظه می شود روز به روز از کارایی خانواده در تحقق وظایفش کاسته می شود و این امر به نوبه ی خود سلامت جامعه را با چالش رو به رو می سازد و به تدریج خانواده ها را به سمت فروپاشی سوق می دهد (عامری و دیگران، ۱۳۸۲).

کارشناسان امور خانواده عوامل مختلفی را برای پربار سازی رابطه زناشویی و ایجاد رضایتمندی در زوجین مطرح می نماید (جدیری، ۱۳۸۷).

هوش مفهومی است که از دیرباز علاقه مندی به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد، تظاهرات، ویژگی ها و انواع آن بسیار مشاهده گردیده است (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

---

<sup>۱</sup> - Bradbury, T.N. Finchman, F.D Beach, S.R.

مفهوم تحلیلی غرب<sup>۱</sup> از هوش، بیشتر شناختی<sup>۲</sup> است و شامل پردازش اطلاعات می شود، در حالی که رویکرد ترکیبی شرق<sup>۳</sup> نسبت به هوش، مؤلفه های گوناگون عملکرد و تجربه انسان، از جمله شناخت، شهود و هیجان را در یک ارتباط یکپارچه<sup>۴</sup> در بر می گیرد (ناسل، ۲۰۰۴؛ به نقل از غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

به طور کلی هوش باعث سازگاری فرد با محیط می شود و روش های مقابله با مسائل و مشکلات را در اختیار او قرار می دهد. همچنین توانایی شناخت مساله، ارائه ی راه حل پیشنهادی برای حوزه های مختلف زندگی وکشف روش های کارآمد حل مسائل از ویژگی های افراد باهوش است (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

گرچه موضوع هوش<sup>۵</sup> و هیجان<sup>۶</sup> هر یک به تنهایی علاقه ی زیادی را در حوزه روانشناسی به خود جلب کرده است، در عین حال هوش هیجانی<sup>۷</sup> نیز از معدود زمینه هایی است که در سال های اخیر، علاقه مندی عمومی و ویژه ای را برانگیخته است. هوش هیجانی از جمله مقولاتی است که هم در محافل اجتماعی و هم در حوزه های علمی و دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته است (حسن زاده و ساداتی کیادهی، ۱۳۸۸).

برخلاف تیزهوشی که سابقه ای حدود صد سال تحقیق بر بیش از صدها هزار نفر را به همراه دارد، هوش هیجانی، مفهوم جدیدی است. هنوز هیچ کس به طور دقیق نمی تواند بگوید که تفاوت های میان افراد در زندگی، تا چه حد از هوش هیجانی ناشی می شود. شواهد بسیاری وجود دارند که نشان می دهند افراد دارای مهارت<sup>۸</sup> هیجانی، یعنی کسانی که احساس های خود را به خوبی می شناسند و آن را هدایت می کنند و در عین حال احساس دیگران را نیز به خوبی درک و به نحو اثربخشی با آن برخورد می کنند، در هر زمینه ای از زندگی متمایزند؛ خواه در روابط عاطفی و صمیمانه باشد و خواه در فهم قواعد ناگفته ای که در خط مشی سازمانی به پشرفت می انجامد. این افراد که مهارت های عاطفی شان به خوبی رشد یافته، در زندگی خویش نیز خرسند و کارآمد هستند و از برخی عادات فکری برخوردارند که آنها را به افرادی مولد و کارآمد تبدیل می نماید. از سوی

- 
- 1- Western analytic concept
  - 2-cognitive
  - 3- Eastern synthetic Approach
  - 4- Integrative Relation
  - 5- Intelligence
  - 6- Emotion
  - 7-Emotional Intelligence
  - 8-Emotional Skills

دیگر افرادی که نمی توانند بر زندگی عاطفی خود مسلط باشند، درگیر کشمکش درونی گردیده و فاقد توانایی لازم برای تمرکز بر فعالیت ها خواهند بود (حسن زاده و ساداتی کیادهی، ۱۳۸۸).

علاوه بر هوش هیجانی یکی دیگر از ابعاد هوش، هوش معنوی<sup>۱</sup> است که تا به امروز پژوهش های چندان منسجم و نظام مندی در جهت شناخت و تبیین ویژگی ها و مؤلفه های آن، در مقایسه با سایر انواع هوش، صورت نپذیرفته است (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

با این وجود بررسی پیشینه ی پژوهش نشان می دهد که روانشناسان گام بسیار مهمی را در راه جداسازی هوش معنوی از انواع دیگر هوش پیموده و تفاوت های این نوع هوش را با انواع دیگر آن مشخص نموده اند (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه ی شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی می شود و همین امر به نوبه خود پاسخ به سؤالاتی همچون «من کیستم؟»، «چرا اینجا هستم؟» و «چه چیزی مهم است؟» را برای انسان روشن می سازد تا فرد در نهایت بتواند با کشف منابع پنهان عشق و لذت که به گونه ای در زندگی آشفته و پر استرس روزمره نهفته می باشد، به خود و دیگران کمک نماید (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

وگان<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) معتقد است که معنویت<sup>۳</sup> امری همگانی است و همان هیجان، درجات و جلوه های مختلفی دارد، تا جایی که ممکن است هشیار یا ناهشیار، رشد یافته یا غیر رشد یافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده و مفید یا خطرناک باشد.

پژوهش های مختلف نشان داده اند که میان معنویت و هدف زندگی، رضایت از زندگی و سلامت همبستگی وجود دارد. (جورج و همکاران، ۲۰۰۰؛ کاس و همکاران، ۱۹۹۱؛ ویچ و چپل، ۱۹۹۲؛ به نقل از غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶)<sup>۴</sup> با توجه به مطالب فوق محقق در این پژوهش درصدد آن است که به میزان پیش بینی کنندگی هوش معنوی و هوش هیجانی در متغیر رضایت زناشویی بپردازد.

---

<sup>۱</sup> - Spiritual Intelligence

<sup>۲</sup> - Vaughan, F.

<sup>۳</sup> - Spirituality

<sup>۴</sup> - George, L. Kass, J. Witch, R. & chupel, D.

## ۲-۱ بیان مسأله

خانواده<sup>۱</sup> مهم ترین واحد اجتماع محسوب می شود که عوامل مختلفی در پایداری و استحکام آن نقش دارند. روابط زوجین و میزان رضایت مندی آنها از زندگی زناشویی یکی از عوامل مهم در سرنوشت خانواده محسوب می شود (کشاوری و همکاران، ۱۳۸۷) و از آنجا که رضایت زندگی زناشویی بخش عمده ای از زندگی می باشد؛ پس رضایت زناشویی<sup>۲</sup> به رضایت کل انسان از زندگی بازمی گردد (داوودی و همکاران، ۱۳۸۷).

رضایت زناشویی به احساس رضایت هر یک از زوجین در هماهنگی و مطابقت با همسر خود در زمینه های چگونگی سازماندهی زندگی مشترک، شامل هماهنگی در نحوه ی گذراندن اوقات فراغت، تقسیم کارهای خانه، تعامل و ارتباط با یکدیگر، روابط جنسی و ابراز عواطف و احساسات به یکدیگر، اطلاق می شود (یوگمن و برازرتن، ۱۹۸۶؛ به نقل از بشارت و همکاران، ۱۳۸۵)<sup>۳</sup>.

در دهه ی ۹۰ میلادی مطالعات علمی پیرامون رضایت زناشویی توجه زیادی را به خود جلب نمود. در مقایسه با یافته های علمی دهه های گذشته در این دهه حجم زیادی از مطالعات به جنبه های مختلف رضایت زناشویی اختصاص داشته است (برادبری و همکاران، ۲۰۰۰).

در این مطالعات عوامل درون فردی و بین فردی فراوانی وجود دارند که می توانند پیش بینی کننده ی رضایت زناشویی در چرخه های مختلف زندگی زوجین باشند (بهاورنیا و دهقانی، ۱۳۸۷). البته عوامل موثر در رضایتمندی زناشویی متعدد بوده و از جمله این عوامل می توان به متغیرهای روانشناختی، جمعیت شناختی، ویژگی های والدین، سلامت جسمی و روانی زوجین، ویژگی های شخصیتی، میزان استقلال و وابستگی، جذابیت جسمانی، عوامل قبل از ازدواج، طول مدت ازدواج، نحوه ی ارتباط بین زوجین، کیفیت روابط جسمی، میزان درآمد خانواده، مسائل مربوط به فرزندپروری و یا ترکیبی از عوامل فوق اشاره کرد (فاتحی زاده و احمدی، ۱۳۸۴).

سالووی، مایر و کاروسو<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) هوش هیجانی را به عنوان توانایی زیرنظر گرفتن احساسات و هیجانات خود و دیگران، تمایز گذاشتن بین آنها و استفاده از اطلاعات حاصل از آنها در تفکر و اعمال فرد تعریف نموده اند (به نقل از وکیلی، ۱۳۸۵).

هوش هیجانی معرف توانایی تشخیص، ارزیابی و بیان هیجان به نحو درست و سازگارانه است. این سازه همچنین شامل توانایی درک هیجان و آگاهی از هیجان ها، توانایی دستیابی به عمل سازگارانه و

<sup>۱</sup> - Family

<sup>۲</sup> - Marital Satisfaction

<sup>۳</sup> - Ugman & Braserton

<sup>۴</sup> - Salovy, p. & Mayer, J. Karroaso, B.

توانایی تنظیم هیجان‌ها در شخص و دیگران است. در واقع هوش هیجانی عبارتست از پردازش مناسب اطلاعاتی که بار هیجانی دارند (حسن زاده و سادات کیادهی، ۱۳۸۸).

با هوش بودن از لحاظ هیجانی فرآیندی پویا و نیرومند است که در آن داد و ستد، یاد گرفتن و فهمیدن، گوش دادن و برقراری ارتباط، فکر و عمل نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. در این فرایند باید بدانید و تشخیص دهید که چگونه هیجان‌ها، کلمات و اعمال شما و دیگران بر آنچه در حال روی دادن است یا هنوز رخ نداده است، تاثیر می‌گذارند (برادبری و گریوز، ترجمه ی گنجی، ۱۳۸۴).

گلمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) اولین کسی که اصطلاح هوش هیجانی را به کار برد معتقد است که هوش هیجانی بهتر از هوش‌برهای حاصل از آزمون‌های سنتی هوش، میزان قابلیت تشخیص را پیش بینی می‌نماید (به نقل از ساتراک، ۲۰۰۳؛ ترجمه فیروز بخت، ۱۳۸۳).

به طور کلی انتظار می‌رود افرادی که از هوش هیجانی پائینی برخوردارند، در سازگاری با رویدادهای فشارزای زندگی با مشکلات عدیده‌ای مواجه شوند. این افراد در برابر بازخوردهای منفی زندگی بیش از سایر افراد احساس درماندگی می‌نمایند. همچنین احتمال ابتلای آنها به افسردگی و مشکلات اضطرابی بیشتر است (حسن زاد و سادات کیادهی، ۱۳۸۸). در مقابل افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند احتمالاً در برابر بازخوردهای منفی زندگی سازگاری بیشتری نشان می‌دهند (برادبری و گریوز، ترجمه ی گنجی، ۱۳۸۴).

درواقع مفهوم هوش هیجانی نشان می‌دهد که چرا دو نفر با هوش‌بهر یکسان ممکن است به درجات بسیار متفاوتی از موفقیت در زندگی دست یابند. هوش هیجانی یکی از عناصر بنیادین رفتار<sup>۲</sup> آدمیست که جدا و متفاوت از هوش شناختی عمل می‌کند (حسن زاده و سادات کیادهی، ۱۳۸۸).

توجه به هیجان‌ها و کاربرد مناسب آنها در روابط انسانی، درک احوال خود و دیگران، خویشتن داری، تسلط بر خاسته‌های آنی، همدلی<sup>۳</sup> با دیگران و استفاده‌ی مثبت از هیجان‌ها در تفکر و شناخت، موضوع هوش هیجانی محسوب می‌شود (غباری بناب، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر مدیریت هیجان‌ها با معنویت نیز رابطه‌ای لازم و ملزوم دارد. زیرا انسان تنها در پرتو کنترل و تعدیل هیجان‌های منفی و سلامت نفس که در شکل‌گیری خصلت‌های انسانی سهم بسزایی دارد، می‌تواند به کمال خویشتن راه یابد (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶). همچنین وقتی آدمی

---

<sup>1</sup> - Goleman, D.L.

<sup>2</sup> - Behaviour

<sup>3</sup> - Empathy

خصلت های منفی خود را نسبت به سایر انسان ها کنترل نماید و روابط خود با آنها را بر پایه ی اعتماد و صفات الهی بنا نهد، در کسب تجارت معنوی توفیق خواهد یافت (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶). با وجود تمامی مزایای هوش هیجانی باید بدانیم که ذهن هیجانی، سریع است اما سست عمل می کند و در ضمن تابع نظام تکانشی قدرتمندی است که بر پایه ی تداعی استوار گردیده و زیر نفوذ زمان گذشته بوده و از همه مهم تر واقعیتی وابسته به شرایط می باشد که اسیر بلامنازع لحظات است (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶). معنویت منبعی است که افراد می توانند در هر شرایطی همچون فقدان و اندوه از آن استفاده نموده و با سختی ها کنار بیایند. در چارچوب معنویت تنها پروردگار یکتاست که از هر نظر توانمند و قوی، آگاه به سود و زیان و قادر به اداره و مهار تمام مشکلات، اضطراب ها، ترس ها و نیازها می باشد (غباری بناب، ۱۳۸۵).

معنویت به عنوان یکی از ابعاد انسانیت شامل آگاهی و خودشناسی می شود. بیلوتا<sup>۱</sup> (۱۹۸۱)، به نقل از غباری بناب و همکاران، (۱۳۸۶) معتقد است نیاز به فراتر رفتن از خود زندگی روزمره و یکپارچه شدن با کسی غیر از خودمان است. همچنین این آگاهی ممکن است منجر به تجربه ای شود که فراتر از خودمان است (جانسون، ۲۰۰۱؛ به نقل از غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

وگان (۲۰۰۲) در مقاله ی خود با عنوان «هوش معنوی چیست؟» بعضی از تعاریف معنویت را چنین عنوان نموده است:

۱) بالاترین سطح رشد در زمینه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی را در بر می گیرد.

۲) یکی از حوزه های مجزای رشد می باشد.

۳) بیشتر به عنوان نگرش مطرح است (مانند گشودگی نسبت به عشق).

۴) شامل تجارب اوج می شود (به نقل از غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

ایمونز<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، به نقل از غباری بناب و همکاران، (۱۳۸۶) تلاش کرد معنویت را براساس تعریف گاردنر از هوش، در چارچوب هوش مطرح نماید. وی معتقد است معنویت می تواند شکلی از هوش تلقی شود زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش بینی می کند و قابلیت هایی را مطرح می نماید که افراد را قادر می سازد به حل مسائل پرداخته و به اهداف شان دسترسی پیدا کنند. او برای تبیین معنویت در قالب هوش، اصطلاح هوش معنوی را به کار گرفت و در سال ۱۹۹۹ در کتاب «روانشناسی علاقه نهایی» آن را به عنوان کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به هدف تعریف نمود (شریفی، ۱۳۸۹).

<sup>1</sup> - Bilota, M.F.

<sup>2</sup> - Emmons, R.A.



هوش معنوی اجرای سازگارانه و کاربردی مجموعه ای از مهارت های تسهیل کننده ی حل مساله و دستیابی به هدف در موقعیت های خاص و رویدادهای زندگی روزمره می باشد. به نظر می رسد هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی و هیجانی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه ی شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی خود می گردد. این دیدگاه شامل همه ی رویدادها و تجارب فرد می شود که تحت تاثیر یک نگاه قرار گرفته اند. افراد می توانند از این هوش برای چارچوب دهی و تفسیر مجدد تجارب خود بهره برداری نمایند. این فرآیند قادر است از لحاظ پدیدار شناختی به رویدادها و تجارب فرد معنی و ارزش شخصی بیشتری دهد (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

سانتوس<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) معتقد است هوش معنوی در مورد ارتباط فرد با آفریننده ی جهان است. وی این هوش را توانایی شناخت اصول زندگی (قوانین طبیعی و معنوی) و بنا نهادن زندگی براساس این قوانین تعریف نموده است. همچنین او چند اصل را برای هوش معنوی عنوان نموده که عبارتند از: (۱) شناخت و تصدیق هوش معنوی، یعنی باور داشتن به این امر که ما موجوداتی معنوی هستیم و زندگی جسمانی در این جهان موقتی است.

(۲) بازشناسی و باور به یک موجود معنوی برتر یعنی پروردگار.

(۳) اگر خالق هست و ما مخلوق هستیم باید کتاب راهنمایی هم وجود داشته باشد.

(۴) لزوم شناسایی هدف زندگی (وجود چیزی که آدمی را فرا می خواند) و پذیرش این نکته را که از نظر ژنتیکی بعضی از توانایی ها کدگذاری شده اند.

(۵) شناخت جایگاه خود نزد پروردگار متعال (شخصیت فرد بازتاب فهم وی از پروردگارش می باشد).

(۶) شناخت اصول زندگی و پذیرش این امر که برای داشتن زندگی موفق بایستی سبک زندگی و تصمیمات خود را مطابق این اصول شکل داد.

در پایان شایان ذکر است که براساس پژوهش های صورت گرفته در زمینه ی عوامل روانشناختی، کفایت های هوش هیجانی زوجین، به عنوان یکی از سازه های بنیادین و اثرگذار بر روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضایت مندانه به شمار می رود (اصغرنژاد فرید و همکاران، ۱۳۸۵).

همچنین دیبورد و رمنز<sup>۲</sup> (۱۹۹۶)؛ به نقل از داوودی و همکاران، ۱۳۸۷) در پژوهشی دیگر نشان دادند که رضایتمندی زنان، در خودشناسی و خودآگاهی، که از جمله مؤلفه های اصلی هوش معنوی نیز محسوب می شوند، نقش بسزایی دارند. در ضمن از آنجا که اساس زندگی موفق و سالم در گرو

<sup>۱</sup> - Santos, E.S.

<sup>۲</sup> - Diboard & Remenz

داشتن مناسبات رضایت بخش بین همسران است می توان از طریق ایجاد مهارت هایی چون خودآگاهی، خودآگاهی اجتماعی، مدیریت خود و مدیریت روابط که از مؤلفه های هوش معنوی و هوش هیجانی می باشند به تقویت و نیرومندی روابط زوجین پرداخت (رحمانی و قیصری پور، ۱۳۸۵). بنابر آنچه گذشت مهم ترین سؤال پیش روی محقق در پژوهش حاضر این است که آیا هوش معنوی و هوش هیجانی و ترکیب آنها پیش کننده ی مثبت رضایت زناشویی هستند؟

### ۳-۱- ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش

از جمله دلایل معقول و منطقی مطالعه بر روی جزئیات رضایت زناشویی، درک محوریت آن در سلامت خانواده و اشخاص (استاک و اشلمان، ۱۹۹۸؛ به نقل از نظری، ۱۳۸۶)<sup>۱</sup>، اهمیت آن بر جامعه در حالتی که ازدواج های موفق شکل می گیرد، دست کشیدن از جرم (لاب، ناگین و سمپسون، ۱۹۹۸) و نیاز به گسترش مداخلات تجربی برای زوجین به منظور جلوگیری یا کم کردن فشارهای زناشویی و طلاق می باشند (بوکام، شوهام، هیزر، دیرتو و استیکل، ۱۹۹۸؛ به نقل از نظری، ۱۳۸۶)<sup>۲</sup>. مفهوم هوش هیجانی و روابط مبتنی بر آن به طور کلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به این معنا که مفهوم هوش هیجانی را می توان در دو سطح انفرادی و اجتماعی مورد مطالعه قرار داد. در حوزه های فردی، هنگامی که افراد با رویدادهای آسیب زا مواجه می گردند و در معرض ناسازگاری قرار می گیرند، این مهارت های هوش هیجانی است که زمینه را برای پردازش خردمندانه فراهم می آورد. در سطح اجتماعی نیز هوش هیجانی نوعی فرآیند تعالی جویی را در فرد ایجاد می کند که ضمن ارتقاء سطح ادراک فرد به شکل گیری زندگی مسالمت آمیزتر او کمک می نماید (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶).

اگر بر پایه ی آموزه های هوش هیجانی و کنترل هیجانات شخصی در حفظ روابط انسانی بکوشیم در این صورت به افراد کمک نموده ایم تا بر پایه ی خردمندی و اصول اخلاقی زندگی خود را اداره کنند (شریفی درآمدی، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر تحقیقات به عمل آمده نشان می دهد که هوش هیجانی پیش بینی کننده ی مهمی در موفقیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، شغلی و تحصیلی افراد می باشد (حسن زاده و ساداتی کیادهی، ۱۳۸۸).

همچنین یکی از ویژگی های دیگر هوش هیجانی اینست که با بهبود مهارت های هیجانی افراد می توان آن را رشد و توسعه داد. به این معنا که هوش هیجانی مفهومی قابل یادگیری است. در واقع برخلاف بهره ی

<sup>۱</sup> - Stack & Eshleman

<sup>۲</sup> - Bucom, shoham , hueser , Dairto, stickle

هوشی که در طول زندگی تقریباً ثابت و ایستاست، هوش هیجانی را می توان تغییر داد و بهبود بخشید (آقاییار و شریفی درآمدی، ۱۳۸۶).

از آنجا که تعاریف و نظریات مرتبط با مقوله ی هوش معنوی در حال طی کردن مراحل ابتدایی می باشد و پژوهش های اندکی در این باب در داخل کشور صورت پذیرفته است، موضوع این پایان نامه کاملاً بدیع و نو به نظر می رسد و زمینه را برای انجام تحقیقات آتی فراهم می سازد. مطالعات نشان می دهند که افراد برخوردار از هوش معنوی با بیماری های خود بهتر کنار می آیند و روش ها مقابله ای در آنها قوی تر از سایرین است (شتر، ۱۹۹۲، به نقل از غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).<sup>۱</sup>

ناسل (۲۰۰۴، به نقل از ناصری، ۱۳۸۷) بر این باور است که عقاید و اعمال مذهبی با نتایج مثبتی مثل بهزیستی جسمانی، هیجانی و روانشناختی، کنش درون فردی مثبت، ثبات و رضایت زناشویی و افزایش کیفیت زندگی مرتبط است.

برخورداری از گرایشات معنوی در زندگی از رفتارهای مخرب و ناسازگار شخصی و اجتماعی جلوگیری می نماید. همچنین به تجربه ی هدفمندی، احساس رضایت و یکپارچگی شخصیتی می انجامد (ایمونز، ۲۰۰۰؛ به نقل از ناصری، ۱۳۸۷).

همچنین می توان گفت هوش معنوی فهم مسائل دینی و استنباط های درست فقهی را تسهیل می نماید. بعلاوه هوش معنوی می تواند در فهم مسائل اخلاقی و ارزش آنها به افراد یاری نماید (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

#### ۴-۱ پرسش های پژوهش

- ۱ - چه میزان از تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی را هوش معنوی پیش بینی می نماید؟
- ۲ - چه میزان از تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی را هر یک از مؤلفه های هوش معنوی (خودآگاهی متعالی، تجربه های معنوی، شکیبایی و بخشش) پیش بینی می نماید؟
- ۳ - چه میزان از تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی را هوش هیجانی پیش بینی می نماید؟
- ۴ - چه میزان از تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی را هر یک از مؤلفه های هوش هیجانی (سازگاری، درون فردی، خلق کلی، مدیریت استرس و بین فردی) پیش بینی می نماید؟
- ۵ - چه میزان از تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی را ترکیب هوش معنوی، هوش هیجانی و مؤلفه های آنها پیش بینی می نماید؟

<sup>۱</sup> - Shutter, V.

## ۱-۵ اهداف پژوهش

اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از:

- ۱- تعیین میزان تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی براساس هوش معنوی
- ۲- تعیین میزان تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی براساس هر یک از مؤلفه های هوش معنوی (خودآگاهی متعالی، تجربه های معنوی، شکیبایی و بخشش)
- ۳- تعیین میزان تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی براساس هوش هیجانی
- ۴- تعیین میزان تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی براساس هر یک از مؤلفه های هوش هیجانی (سازگاری، درون فردی، خلق کلی، مدیریت استرس و بین فردی)
- ۵- تعیین میزان تغییرات (واریانس) رضایت زناشویی براساس ترکیب هوش معنوی، هوش هیجانی و مؤلفه های آنها

## ۱-۶ فرضیه های پژوهش

فرضیه های این پژوهش عبارتند از:

- ۱- هوش معنوی پیش بینی کننده ی مثبت رضایت زناشویی می باشد.
- ۲- هر یک از مؤلفه های هوش معنوی (خودآگاهی متعالی، تجربه های معنوی، شکیبایی و بخشش) پیش بینی کننده ی مثبت رضایت زناشویی است.
- ۳- هوش هیجانی پیش بینی کننده ی مثبت رضایت زناشویی می باشد.
- ۴- هر یک از مؤلفه های هوش هیجانی (سازگاری، درون فردی، خلق کلی، مدیریت استرس و بین فردی) پیش بینی کننده ی مثبت رضایت زناشویی می باشد.
- ۵- ترکیب هوش معنوی، هوش هیجانی و مؤلفه های آنها پیش بینی کننده ی مثبت رضایت زناشویی می باشد.

## ۱-۷ متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش عبارتند از:

- ۱-متغیر مستقل (پیش بین): هوش معنوی و هوش هیجانی
- ۲-متغیر وابسته (ملاک): رضایت زناشویی